



اگر تصاویر نگفتند

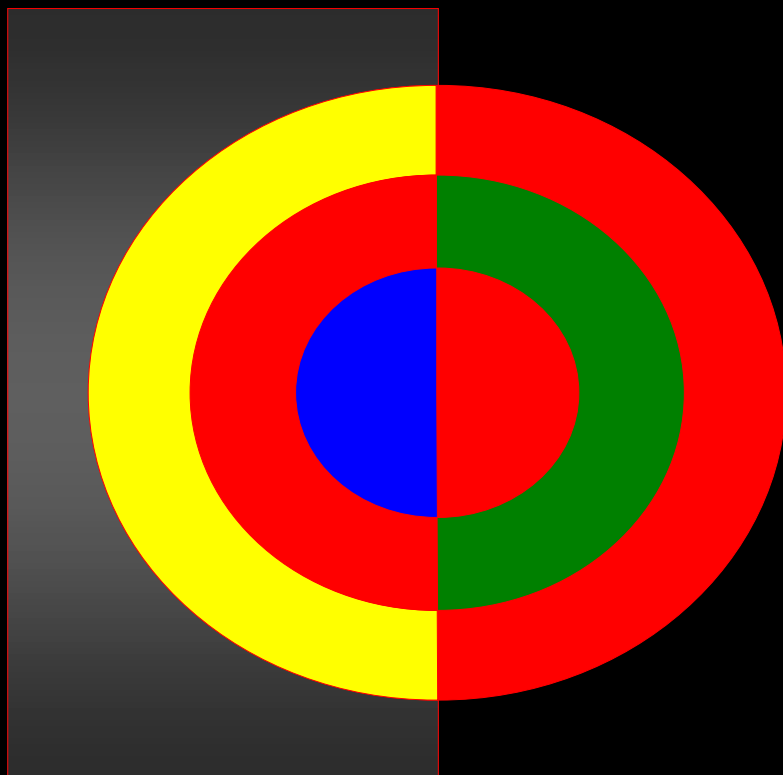
ما شعار می دهیم!

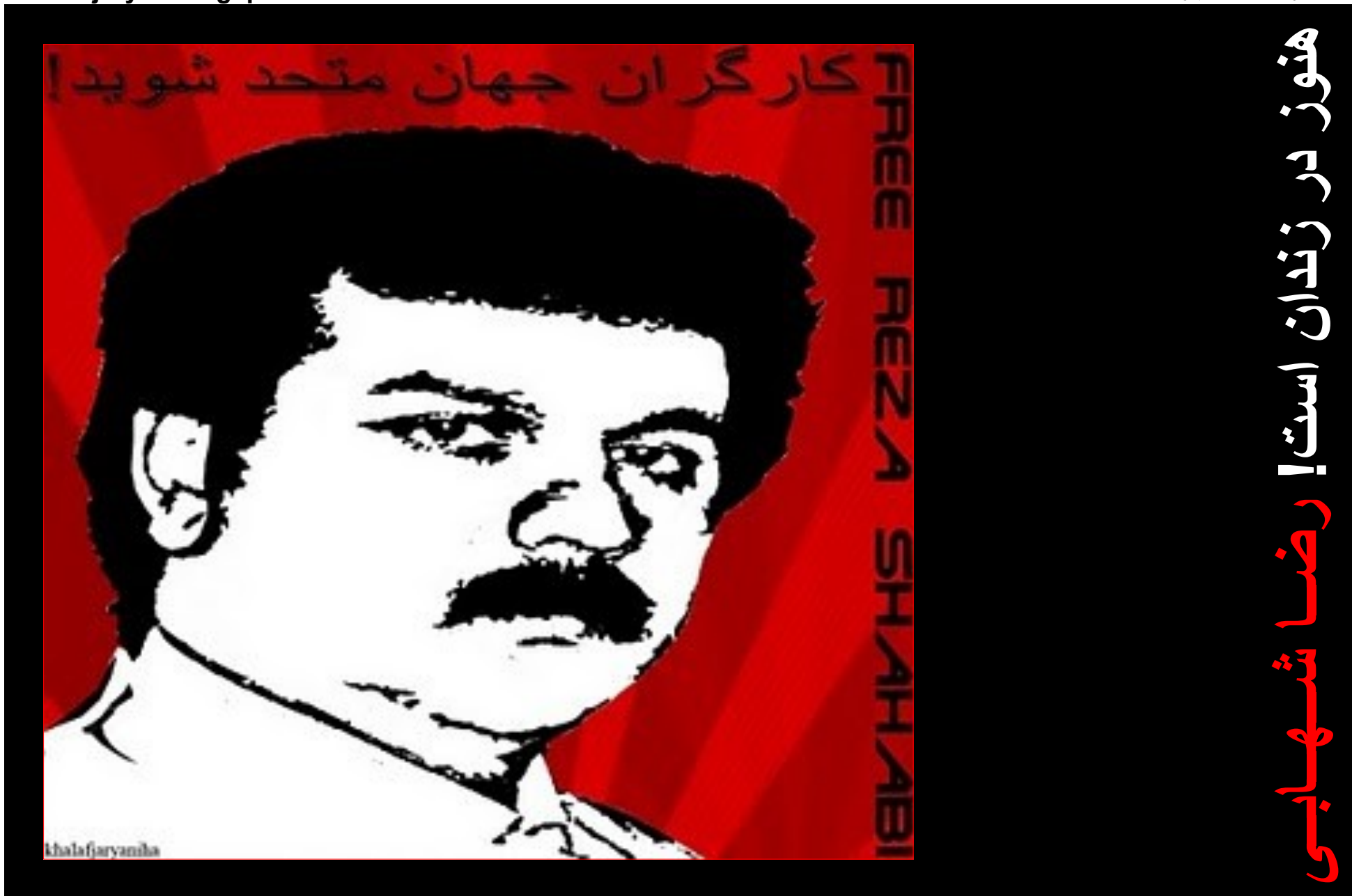
خلافه جریان

بہ آنہا کے ہمچون چوپان چرا ہی
کنند، بگونیہ کے شبہ ہنگامہ
نصیبہ گئے ہا خواہی د شد.

گراہی گئے گراہی گئے
گراہی گئے گراہی گئے

مکمل اولیٰ:







پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگ !



دموکراسی ای که آدم می کشد!



تنها اتحاد طبقاتی در یک صف
مستقل، نظام سرمایه را در هم می شکند!



مبارزه بر علیه امپریالیسم، این
آخرین مرحله سرمایه داری امروز
یک ضرورت است!



زنده باد انقلاب، مرگ بر امپریالیسم!



زنده باد انقلاب، مرگ بر امپریالیسم!

the end in the
REVOLUTION



مرا هم که به یاد دارید
منم، بندی بند اوین
منم دانش آموز آرام پشت
میز و نیمکت های شکسته
ی روستاهای دورافتاده ی
کردستان که عاشق دیدن
دریاست
منم به مانند خودتان راوی
قصه های صمد اما در دل
کوه شاهو
منم عاشق نقش ماهی سیاه
کوچولو شدن

منم، همان رفیق اعدامیتان

فرزاد کمانگر



کشتار کارگران خاتون آباد را نه می
بخشیم و نه فراموش می کنیم.



زنده باد اعتصاب، زنده باد انقلاب!



کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد!



از فیلم های تولیدی در
هالیوود آزاد در قید
تجارت بر حیطه ی پول
گرفته که زیبایی را به
آشوویتس تقلیل داده تا
بالی وودی که آشتی
طبقاتی را به عنوان یک
امر محال به نفع طبقه
حاکمه ی این کشور و به
ضرر مردم ستم دیده ی
این منطقه رقم می زند،
چیزی جز کثافت کاری
مشتی مزدور نیست.

نقش
هالیوود
سرمایه داری در
اشاعه فرهنگ دموکراسی خواهی.

میزان، آزادی زن است!



بدون شرح:



تولید و بازتولید کار کودک در نظام سرمایه داری

نوشته شده توسط: **عابد رضایی**

متوقف کردن کار برای کودکان در جهان سرمایه داری تا الغای کامل کارمزدی و مناسبات تولیدی سرمایه دارانه امری ناشدنی می باشد، اما شعار توقف کار کودک در ایران چیزی است که سالهاست از جانب فعالین حقوق کودک در آسمان ها طنین انداز شده و نمی تواند کوچکترین تاثیری بر دنیای زمینی بگذارد؛ آری، کار کودکان در ایران در قالب یک حکومت سرمایه داری و اما عقب مانده امری ضروری می نماید.

اما ضرورتش نه تماماً به جهت تامین منافع سرمایه، که هم چنین در جهت بقای خانواده های کاملاً سلولی است تا باشد که از بار سرپرست خانوار بکاهد؛ زیرا که دولت و به تبع جامعه، حامی افراد آن نبوده و خانواده های کودکان کار، به دلیل قرار گرفتن در پایین ترین سطح هرم جامعه به لحاظ گوناگون رفاهی، کار کودکان را به حالتی جبر گون میدل می سازند و شرایط تولید و تقسیم اجتماعی به سبک موجود به عنوان یک دولت سرمایه داری واپس مانده آن را در اشکال گوناگون اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بازتولید می نماید.

عموماً کار کودک نه خاص نظام سرمایه داری، که خصیصه نظامات پیشین طبقاتی نیز بوده و یک دلیل عمده ریشه کن شدن این عمل در کشورهای تحت حاکمیت سرمایه داران، در غرب به دلیل گسست کامل تر و نه تنها در عرصه اقتصاد که به طور کامل تری حتی در باقی شئون اجتماعی از جمله فرهنگ به عنوان روبرنای سیستم اقتصادی است، به تعبیری خانواده موجود

و روابط موجود در غرب تحت حاکمیت سرمایه و روابط کالایی مختص این دوران بوده حال آنکه در جوامعی نظیر ایران به سبب جمع شدن قدرت در دست دولت خرده بوژوازی مانده از دوران گذشته به عنوان دولت حامی منافع روابط سرمایه دارانه، همچنان نهاد خانواده در یک گره گاه روابط دوران گذشته و حال، سنن و فرهنگ گذشته را که کار کودک را تشویق می نمود، پدک می کشد. در حالی که همتای غربی آن به دلیل پیشرفت در عرصه تولید برای مصرف، نه تنها به لحاظ اقتصادی فعلاً بدان نیاز ندارد، که حتی فرهنگ چنین عملی در آن بر اساس گسست کامل در اثر وجود حکومت سرمایه داران از دوران پیشین کاملاً از سطوح جامعه برای مدتی حذف شده بود و حتی دولت و قانون و اجتماع نیز آنرا فعلاً بدان جهت که به نیروی تولیدی ارزان اش نیازی ندارد تقبیح می نماید که روابط در کشور ایران حامل هیچ کدام یک از موارد موجود در غرب نیست ولی در شرایط فعلی که ما از دولت های رفاه بر اساس بحران های اقتصادی در عرصه های مالی و تولیدی نیز دور می شویم جوامع ناچاراً بر همین اساس شاهد بازگشتن کار کودک در غرب نیز بوده و روند کنونی جامعه می تواند هر لحظه بر ابعاد آن در غرب بیافزاید.

اما در سوی دیگر میدان، که روابط ناکامل سرمایه دارانه و بوژوازی در ایران همچنان کار کودک را تشویق می نماید و حاصل همین شکل کارکرد دولتی در دوران حاکمیت امپریالیستی این امر را برای بقای فیزیکی افراد نیز ضروری می سازد، به عنوان نمونه شرایط بد اقتصادی قشر بزرگی از کارگران، علی الخصوص قسمت مهاجرین افغانی و حاشیه نشین ها در جهت تامین معیشت افراد خانواده شرایط کار کودکان را پدید و فراهم آورده و از سوی دیگر فرهنگ واپس مانده ی مشوق این امر، توامان آنرا تولید و بازتولید می نمایند.



مرگ بر سرمایه داری!

DOWN WITH CAPITALISM!



khalafjaryaniha

سرمایه و بر ضد توده های ستمکش گام برمی دارد و این ماهیت حکومت است، آن هم در شرایط اقتصادی ای چون ایران که سرمایه داران آن هر دم به زور تنفسی دارند، زیرا هر لحظه به راحتی خطر خرد شدن در روابط سرمایه دارانه ی مبتنی بر رقابت جهانی را دارند، به ناچار زمینه کار کودک حتی اگر مناسبات فرهنگی تشویق کار کودک را هم پاک کنند، بر اساس شرایط اقتصادی پدیده کار کودک همچنان تولید و بازتولید خواهد شد. اما سرمایه داری و دولت آن در انواع گوناگون که خود مقصر پدید آمدن چنین امر ضد انسانی هستند، بیه ضربات وارده از دستفروشی کارگران را بر تن مالیده و آنرا در شرایطی که سود سرمایه را به سختی در برابر تعرض بالقوه هر روزه کارگران تضمین می نماید، به حل بنیادین مسئله کار کودکان که از دریچه حل مسائل رفاهی کارگران و زحمتکشان بازمی گردد و نتیجتاً مخارج سنگینی برای دولت سرمایه دای خواهد داشت و قسمتی از سود را برای سرمایه دار به باد می دهد ترجیح داده، زیرا که پاک کردن صورت مسئله از حل کردن آن برایش زحمت و هزینه کمتری دارد؛ همچون سیستم تعدیل نیرو در کارخانه و یا زدن از سر و ته رفاه عمومی، چه باک که تنها دریچه های سودآوری نظام حاکم همین سیستم زنجیری مشت آهنین در قبال کارگران است که پدیده کار کودک را فراهم می آورد در جهت کسب لقمه ای نان.

آری کلید حل مسئله کار کودکان در جامعه ی ایران در گرو یک انقلاب سوسیالیستی کارگری نهان مانده و فعالین حقوق کودک به عنوان فعالین اجتماعی باید هم پای فعالین پدران و مادران این کودکان در جهت جمع کردن بساط سرمایه داری بکوشند تا اینکه وقت خود را برای اصلاح دولت هدر نمایند، که البته این امر نیز نیازمند تاکتیک و استراتژی های انقلابی همپای مبارزه کمونیستی فعالان کارگری است.

بدین جهت ملغی نمودن کار کودک، با فشار بر دولت موجود امری ناشدنی می نماید، زیرا همین دولت که باید متضمن سود سرمایه در ابعاد گوناگون باشد، خود به لحاظ تثبیت خویشتن به عنوان یک وسیله کارکردی در جامعه به نفع سرمایه داری از قسمت دست فروشی و نه کار تولیدی کودکان (زیرا که از نیروی کار ارزان کودکان در تولید نفع می برد)، که امروز به صورت گسترده در جامعه قابل مشاهده است، ضربه دیده و به همین جهت با برچسب تکدی گری سعی بر سرکوب و پاک کردن آن از سطح جامعه را دارد؛ اما سیستم به لحاظ کمبود های مادی و عقب ماندگی اش که مسبب اصلی آن هرم وار بودن روابط در عرصه قدرت اقتصادی در جهان کالایی شده و کالای جهانی شده که نیروی کار نیز قسمی از آن است، شرایط کار کودک در جامعه را فراهم می آورد.

اگر دولت موجود بخواهد و یا بر اساس فشار وارده و از سوی فعالین اجتماعی بتواند گام در مسیر حل صورت مسئله که اینجا همان پدیده کار کودک است گام بردارد نیز، خود از جانب یک حاکمیت سرمایه داری ناشدنی است و فعالین حقوق اجتماعی باید این فکر را از مخیله خود خارج نمایند که سبب فشارهای ایشان دولت را وادار به عقب نشینی کرده و گام در مسیر اصلاح بر می دارد؛ زیرا که سیستم در یک بن بست اقتصادی به مانند انواع دیگر خود در شرایط حاضر، با پذیرش هر یک از این ها (اصلاح به نفع ستمکشان) فرم و کارکرد خود را به مثابه یک ماشین متضمن سود سرمایه از دست داده و به هاله ابهام فرو می رود و قطعاً این ماشین (دولت) هیچگاه گام در چنین مسیری برنداشته و سویه سرکوب را پیشه خواهد کرد.

شاید چنین پنداشته بشود که چرا دولتی که خود نیز در چنین معادله ای دچار ضربه می گردد در جهت حل آن گام برندارد، اما روشن است که دولت بورژوازی اصولاً در جهت منافع



فریادمان در عرصه ی **خیابان**
آواز ماست
مشت های گره کرده
می کوبد بر فک آسمانها
دوشا دوش
قدم می کوبیم بر زمین
تا **بلرزد** زیر زمین این دنیای
خفتگان
و به هر آنچه که از آسمان یا
تاریخ توحش به ارثمان داده اید
تف می کنیم

فقر بر گستره دیوارها فریاد می کشد!

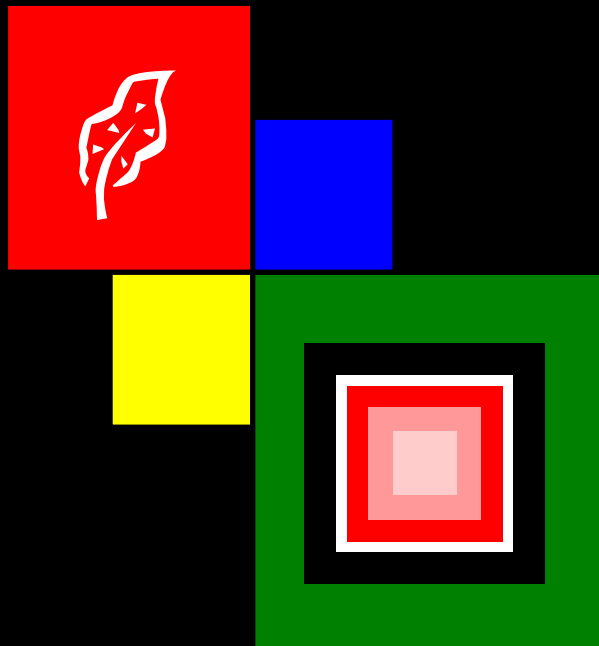






سرودات، **خشم** مان را درون کوجه ها **برافروخت**
تا نسلی نوین از **انقلابیون** بی آغازند.

مخبره گزینش



ای جگہ:





انتشار:



انتشار:



خلافت جریان

www.zjaryan.blogspot.co